نامه ها: از میان نامه های ایرانشناسان

صدیقی، زبیده

از زبیده صدیقى-قدیر آباد-مولتان-پاکستان(به زبان فارسى)

استاد محترم گرامى

بعد از تقدیم سلام و درود فراوان سپاسگزارم که بنده را بمکاتبت مفتخر فرمود ید و بیشتر از یک سال است بنده کتاب دیوان سیف اسفرنگى را چاپ و نشر کرده‏ام و به رایزنى‏ فرهنگى ایران اسلام‏آباد و مرکز تحقیقات فارسى،ایران و پاکستان(در اسلام‏آباد)نوشتم‏ که کتاب چاپ کردم.مفت و مجانى ازمن بگیرید و در تمام قلمرو فارسى توزیع کنید و نیز به کتابخانه‏هاى عالم که چند تا بیش نیست که شهرت جهانى پیدا کرده است بفرستید.آن‏ نامه را در جواب نامهء دکتر مهدى غروى نوشته بودم که قبلا از طرف رایزنى نوشتند یک‏ جلد کتاب را خریدارى میخواهند بکنند.بنده محض بفکر اینکه چند هزار روپیه اهمیتى‏ ندارد.کارى که هنوز نشده است توزیع کتاب است.پول قبل از چاپ کتاب مى‏خواستم. بعد از چاپش پول یعنى چه.بهتر به همان هزینه که یکصد جلد کتاب خریدارى میخواهند بکنند.کاربسته بندى و نقل و حمل کتاب انجام بگیرد.در طى سیزده سال کار تحقیق و کار و کوشش میتوانسته‏ام پول تهیه کنم.ولى توزیع کتاب شاید تنها من بنده نمیتوانم که تنها زندگى میکنم و چند جاکار میکنم.تمام روز و شب من در نوشتن و تحقیق و تفحص و مطالعه و تدریس و کارهایى پول در آور صرف میشود.پس نمیترسم کار توزیع را پیش گیرم.ولى یک‏ سال است که یکصد جلد کتاب از من گرفتند و آنرا به چند نفر در پاکستان دادند که براى من‏ سهل بود این کار بکنم.دگر هیچ درباب توزیع کتاب نگفتند.هم از پول بهاى کتاب خبرى‏ نیست که میگفتند بمن میدهند و که هرگز هم اگر بدهند نمیگیرم-که یارى میخواستم-اگر نکردند-پول چیست تا بگیرم.

دانه دانه کتاب فرستادن براى من خیلى هم گران تمام میشود.هم وقت میگیرد.در پاکستان به تمام کتابخانه‏هاى مهم و اشخاص مهم فرستادم.ولى در خارج کار کارسختى است.

این دو کتاب که فرمودید فردا میروم بعد از اداره تاببینم چه صورتى است میشود فرستاد یا نه.سعى میکنم اگر ممکن باشد بفرستم.اگر هم روزى از اداره تعطیل کنم-باشد میپرسم و میفرستم.

ولى پول نمیخواهم-اگر ممکن است باز کمک میخواهم در کار توزیع کتاب که اگر اطاق‏ مرا گرفته است و ماندگار است،چاپ شدن و نشدن فرقى نمیکند.

از دکتر غروى خواهش کردم که ازین صد جلد کتاب دوسه نسخه به راهنماى کتاب و دیگر جاهاى ایران بفرستد.ولى از نامه‏ى عالى دانستم که نشده کارى.بفرمائید که رایزنى- درین باب بجنبد که راحت این کار از دستش میآید.

تا حالا سه کتاب چاپ کردم.هر سه فارسى.یکى یتفجر منه الانهار(مجموعه‏ى شعرى‏ بنده)2-شهر آشوب کتاب شعرى آقاى الیاس عشقى-و دیوان سیف.

بعد از این هم اگر چندسال دیگر زنده‏ام-انشاء الله-یک کتاب مقالات ادبى انتقادى‏ راجع به آفریدگاران ادب و شعر فارسى چاپ میکنم-که آماده است.چندسال کار میکنم‏ تا پول تهیه شود-بعد چاپش میکنم-بعد از آن هم اگر زنده باشم کتابى به اردومیآید.

مجددا خواهشمند است ازاهداى پول صرفنظر بفرمائید و کارى کنید که کتاب هر جایى‏ که لازم است برسد-که اولین چاپ است در دنیا-باید مورد مطالعهء اهل تحقیق قرار بگیرد و کار تحقیق ادامه پیدا کند که نقش اول نقش آخر نیست.عده‏اى باید در میان‏ باشد تا آن یکى را آخرین بنامیم.بعد از انقلاب هیچ مجله و روزنامه‏هم از ایران به‏ پاکستان نرسیده است و خانه‏هاى فرهنگ در جواب پرسش‏ها مى‏گفتند که همه‏ى مطبوعات و اداره‏هاى آنها تعطیل شده‏اند-ولى حالا که معلوم است تعطیل نیستند.آیا مجله‏ها به‏ ما میرسد یا نه؟